



مهراه



عَرَبِيَّ كَنْكُور

از سیرتا پیاز



درسنامه‌ی
+ ویژه



مهران ترکمان

عربی ۱ | عربی ۲ | عربی ۳
کامل‌ترین مرجع تست در تاریخ کنکور



به نام پروردگار مهربان



عربی کنکور

از سیرتاپیاز

عربی ۱ | عربی ۲ | عربی ۳
کامل‌ترین مرجع تست در تاریخ کنکور



مهرماه

مهران ترکمان



اگر مقدمه را نمی‌خوانید،
کتاب را پس دهید!!

مقدمهٔ مولف

آن کس که ز شهر آشنایست دانش که متاع ما گجایست

مدتها بود در ذهن داشتم یک منبع تستی کامل و جامع برای درس عربی جمع‌آوری کنم؛ منبعی که از نظر سطح کیفی و طبقه‌بندی سؤالات، برای تمام داوطلبان کاربرد داشته باشد. تا دیگر ملت نروند یک گونی کتاب بخرند آخر سر هم متوجه نشوند چه کار کرده‌اند؟! اما چنین کاری مستلزم صرف زمان و فعالیت شبانه‌روزی بود. البته فرصت و فراغت لازم هم برای این امر حاصل نمی‌شد تا اینکه در تابستان ۹۲ انتشارات مهرماه این شرایط و موقعیت را به خوبی برای بنده فراهم نمود. ما هم که مرد خطر و لحظات سخت هستیم در یک لحظه جوگیر شده و تألیف کتابی که در خور ارائه به استادان گرامی و داوطلبان عزیز و البته در شأن چاپ در این انتشارات باشد را شروع کردیم. ماحصل این کار کتاب حاضر شد که نامش را گذاشتیم «بانک تست عربی کنکور از سیر تا پیا».

مجموعه‌ی حاضر ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که بد نیست ضمن آشنایی با بخش‌های مختلف کتاب به آن‌ها نیز نیم نگاهی داشته باشیم.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

■ تعداد پرسش‌های چهار گزینه‌ای

جمع‌آوری بیش از ۳۵۰۰ سؤال، شما را از هر کتاب دیگری برای تست زدن بی‌نیاز می‌کند و باعث می‌شود که بابت تعداد زیاد تست‌های کتابتان، با غرور به دوستان خود نگاه کنید!

■ کامل بودن منابع سؤالات

کلیه‌ی تست‌های کنکور سراسری، خارج از کشور، آزمون‌های آزمایشی سنجش و المپیادهای ادبی از سال ۸۰ تا ۹۲ به طور کامل و بدون کم و کاست جمع‌آوری شده‌اند. ضمناً هر تست خوب و مفیدی که از تاریخ ۱/۱/۱ (زمان کنکور حضرت آدم) تا قبل از سال ۱۳۸۰ داشتیم را گلچین کرده و آورده‌ایم تا خیال شما را از کامل بودن این مرجع سؤال راحت کنیم و بگوییم ما هم بله!

■ **چیدمان سؤالات و فهرست‌بندی جدید:** در هر بخش ابتدا سؤالات کنکورهای سراسری تمام رشته‌ها و سپس سؤالات سنجش به ترتیب سال، از جدید به قدیم آمده‌اند و بعد از آن‌ها هم تست‌های بدون آدرس (همون تست‌های تپل سال‌های دور) و سؤالات تألیفی قرار گرفته‌اند. موضوع دیگر، فهرست‌بندی این کتاب است که با رویکردی جدید تنظیم شده؛ برای مثال سؤالات ترکیبی «من» و «ما»، شناخت و شمارش اسم‌های غیرمنصرف، تقسیم سؤالات ترجمه/تعریب به چهار عبارتی و تک عبارتی، تفکیک سؤالات تجزیه، ترکیب و اعراب‌گذاری از جمله سرفصل‌های جدید در این کتاب هستند.

■ **سؤالات تألیفی و جهش‌یافته:** تقریباً تمام استادان کنکور معتقدند که درس عربی به دلیل وجود سؤالات متنوع و متناسب، در بیشتر موضوعات نیازی به تست تألیفی ندارد. پس اگر قرار است سؤالی طرح شود، اولاً باید در مباحثی باشد که در آن‌ها کمبود سؤال داریم، ثانیاً این سؤالات باید حاوی نکته و مطلبی جدید بوده و در سطحی دشوارتر از سایر تست‌ها قرار گیرد. ما هم در این کتاب چنین رویکردی را دنبال کرده‌ایم و در بخش‌هایی که نیاز به سؤال تألیفی بوده است، تست جدید و قوی قرار داده‌ایم. البته در قسمت‌هایی که از نظر تست غنی هستند هم از این موضوع غافل نشده‌ایم و تقریباً در هر بخش، چند تست تألیفی دشوار آورده‌ایم تا هم آموخته‌های شما را تکمیل و تثبیت کند و هم شما را برای آن دسته از سؤالاتی که تاکنون در کنکور طرح نشده‌اند، آماده کند. نکته‌ی دیگر این که بسیاری از سؤالات سنجش استاندارد و خوب هستند، اما برخی از تست‌های آن هم در سطح پایین‌تری قرار می‌گیرند. از این‌رو در این مجموعه هر جا با تستی که به نظر ضعیف و فاقد مطلب جدید بوده برخورد کردیم، یک یا دو گزینه‌ی آن را حذف و به جای آن گزینه‌های سخت و نفس‌گیر قرار داده‌ایم تا یک نکته‌ی جدید را به شما انتقال دهیم. (یکی این روح فداکاری ما را با بیل خاموش کند تا کار دست خودمان نداده‌ایم!)

توجه کنید که در کنار آدرس این دست سؤالات لفظ «جهش‌یافته» آمده است. البته نگران نباشید چون در هر بخش حداکثر ۵ یا ۶ سؤال را به این روز انداخته و حالت استاندارد سؤالات را حفظ نموده‌ایم.

■ **مشخص کردن تست‌های مهم و ضروری برای دوران جمع‌بندی:** طبیعتاً اگر شما را میان ۳۵۰۰ تست رها کنیم، کار دست خودتان می‌دهید. به همین خاطر در هر بخش تعدادی تست را با آرم بین‌المللی نان بربری (🍷) مشخص کرده‌ایم که اگر زمان ندارید و یا می‌خواهید سؤالات مهم و تیپ‌های گوناگون تست‌ها را در هر بخش بررسی کنید فقط به همان‌ها پاسخ دهید و با وجود ما احساس غربت و تنهایی نکنید.

🔄 درسنامه‌ی جامع و به روز

مطمئنأً یک بانک تست هرچقدر هم که قوی باشد، اگر با درسنامه همراه نشود مثل اس‌ام‌اسی است که قسمتی از متن آن موجود نمی‌باشد (اصل حال گیریه!) به همین خاطر باز هم احساس وظیفه‌شناسی ما گل کرده و درسنامه‌ای مبسوط قبل از پاسخننامه‌ی هر موضوع آورده‌ایم. لازم به ذکر است که این بخش با نگاهی جدید به درس عربی و سؤالات چند سال اخیر کنکور سراسری تنظیم شده. ضمناً در ابتدای هر درسنامه، مشاوره و تیپ‌شناسی مبحث مربوط به آن هم آورده شده تا از شدت ذوق، اشک در چشمان شما حلقه بزند و کتاب را در آغوش خود بفشارید!

📖 پاسخ‌نامه‌ی تشریحی

متأسفانه بسیاری از کتاب‌های موجود تأکید فراوانی می‌کنند که دارای پاسخ کاملاً (یا واقعاً) تشریحی هستند اما وقتی شما در کتاب‌فروشی قسمت پاسخننامه را ورق می‌زنید، فوراً متوجه می‌شوید که برای هر سؤال یک یا حداکثر دو خط پاسخ نوشته شده و غالباً هم نمی‌تواند شما را در یادگیری و یا برطرف کردن علامت سؤال‌های ذهنتان اقناع کند و قطعاً بدون مراجعه به دبیرتان عمراً نمی‌توانید علت درستی یا نادرستی گزینه‌ها را به خوبی بفهمید. در این کتاب سعی ما بر آن بوده که بدون شعار دادن و در کمال مظلوم‌نمایی هر جا به تشریح مطالب و بررسی گزینه‌ها یا ترجمه‌ی یک عبارت نیاز بوده با روی باز موضوع را بررسی و ترکانده‌ایم. (انشاءالله که مقبول درگاه حق تعالی واقع شود.)

🕒 آزمون‌های جامع

در پایان کار برای کندن کلک درس شیرین عربی، پنج آزمون جامع آورده‌ایم. به این صورت که یکی از آن‌ها آزمون خارج از کشور سال ۹۲ است، یکی از آن‌ها ترکیبی از سؤالات سنجش ۹۲ و تألیفی است و سه‌تای دیگر هم کلاً تألیفی هستند که در آن جاسعی کرده‌ایم تست‌هایمان کمی سخت باشند تا موجبات کاهش وزن و موهای شما را فراهم نمایند.

👤 مخاطبان این کتاب

کلیه‌ی بروبکس کنکوری (ریاضی، تجربی، انسانی و...) و دانش‌آموزان سال اول تا سوم دبیرستان در هر جای این کره‌ی خاکی که هستند می‌توانند از این مجموعه استفاده نمایند، البته ما هم خوشحال می‌شویم که در مسیر کنکور همراهی‌شان کنیم، آن هم به صورت درست!

📖 راهنمای استفاده از کتاب

بی‌شک بهترین راهنما و رفیق بی‌کلک برای استفاده از هر کتابی معلمان است که به خوبی ویژگی‌ها و توانایی‌های شما را می‌شناسد، پس براساس نکات و دستورالعملی که ایشان مدنظر دارند عمل کنید. اما اگر می‌خواهید نظر ما را بدانید و یا درس محبوب عربی را در گوشه‌ای از خلوت خود و به تنهایی مطالعه می‌کنید به نکات زیر دل بدهید:

❶ اگر دانش‌آموزی هستید که یادگیری عربی را تازه شروع کرده و هنوز تسلط لازم در این درس را ندارید و دائماً موفق به کسب نمره‌ی منفی در آزمون‌ها می‌شوید، ابتدا از درسنامه شروع کنید و حداقل آن را دوبار با دقت بخوانید. سپس برای تست‌زدن از سؤالات قدیمی سنجش شروع و به سمت تست‌های جدید حرکت کنید، بعد از آن هم سؤالات سراسری را از قدیم به جدید حل کنید، بعدش هم تألیفی‌ها و... پس در این هنگام رستگار خواهید شد!!

۲ اگر دانش‌آموزی هستید که درسنامه و قواعد را خوب بلد هستید، به گونه‌ای که تا معلمات می‌آید موضوع را درس بدهد با عجله و سرعت غیرمجاز میان حرف وی آمده و بقیه‌ی درس را توضیح می‌دهید ولی نمی‌توانید خوب تست بزنید، بدانید که احتمال مشکل شما در موارد زیر نهفته است:

- درسنامه را تند تند خوانده‌اید (کلاً آدم تند و تیزی هستید)، برای همین در برخورد با بعضی سؤالات مفهومی و سخت کنترل خود را از دست داده و گزینه‌ای را به قید قرعه انتخاب می‌کنید.
- تمام گزینه‌ها را کامل و تا انتها نمی‌خوانید و وقتی به نظر خودتان پاسخ را یافتید، سه‌سوت به سمت سؤال بعدی گولّه می‌کنید. به همین خاطر با درصدهای منفی بالای بیست قرارداد بسته‌اید.
- هنگام خواندن گزینه‌ها می‌خواهید سریع عمل کنید، به همین دلیل دقت لازم و توجه کافی را ندارید و گزینه‌ها را به‌طور کلی و اجمالی (یعنی مختصر) نگاه می‌کنید و توجه ندارید که مثلاً یک اسم غیرمنصرف در گزینه‌ی (۲) به اشتباه تنوین گرفته است.
- پاسخ‌نامه‌ی تشریحی را دوست ندارید و با دقت نمی‌خوانید یعنی دنبال رفع اشکالات خود نیستید و هی می‌گویید اگر یک‌بار دیگر چنین سؤال‌ی به پُست من بخورد ظرف یکی‌ثانیه دخلش را آورده و متواری می‌شوم که شدیداً اشتباه می‌کنید. (انشالله خداوند شما را هدایت کند).

۲ اگر دانش‌آموزی هستید که درستان خوب است و می‌خواهید دکتر، مهندس یا وکیل شوید و البته خوب هم تست می‌زنید، اولاً بدانید که ما شما را خیلی دوست داریم چون از عربی متنفر نبوده و نسبت به آن کینه‌توزی نمی‌کنید، ثانیاً سعی کنید مراحل زیر را برای بهبود وضع روحی و روانی خود انجام دهید:

- یک دور درسنامه را بخوانید تا اگر خدایی نکرده نکته‌ی جدیدی برایتان وجود داشت آن را آموخته و در حاشیه‌ی کتاب یادداشت کنید که مطمئن شوید تمام نکات جدید را مقابل دیدگانتان اسیر کرده‌اید.
- بعد از سؤالات سراسری و سنجش (که احتمالاً همه را خوب جویده‌اید!) به ترتیب تست‌های بدون آدرس، جهش‌یافته، تألیفی و آزمون‌های جامع را دریابید.
- حتماً کادرهای داخل پاسخ‌نامه را بخوانید؛ چون مثل یک معلم می‌توانید چالش‌های هر بخش را بشناسید.
- اگر باز هم به سؤالات قوی نیاز داشتید به سایت ما سر بزنید و خودتان را معرفی کنید و درخواست بدهید. ما حتماً برای شما عاشقان سینه‌چاک عربی برنامه‌ی ویژه‌ای خواهیم داشت و تست‌های تألیفی قوی و بیشتر را در اختیارتان قرار می‌دهیم تا نمک‌گیرتان کنیم. (حتی در آینده می‌توانیم با هم همکاری داشته باشیم).

چگونه عربی را بخوانیم؟

در طول سال‌های مختلفی که در حیطه‌ی کنکور به شما دوستان عزیزم خدمت می‌کنم بارها و بارها در کتب و مقالات مختلف گفتم که عربی را باید هر شب بخوانید نه اینکه در طول هفته دو یا سه وعده‌ی مطالعاتی را به آن اختصاص دهید. این طوری مطالب را فراموش کرده و چیزی جز اعصاب خسته و خط خطی گیرتان نمی‌آید. پس به جای هفته‌ای پنج، شش ساعت عربی خواندن، شبی یک ساعت عربی را به‌صورت زیر بخوانید تا متوجه معجزه‌ای که در کنکورتان اتفاق می‌افتد بشوید.

در ابتدا از قواعد شروع کنید و کمی که گذشت و توانستید روی آن‌ها مسلط شوید، نکات فن ترجمه را آغاز کنید^۲ و حتماً به این مسائل نیز توجه داشته باشید:

- تست‌های اعراب‌گذاری و تجزیه و ترکیب را به‌طور موازی با قواعد جلو ببرید، چون این سؤالات از دل مطالب قواعد هستند.^۳ شاید در ابتدا ضعف‌هایی داشته باشید اما رفته رفته وضعتان بهتر خواهد شد.
- لغت خواندن برای سؤالات ترجمه و تعریب واجب نیست اما برای سؤالات قواعد و درک مطلب در حدّ بنز به شما کمک می‌کند. اگر شک دارید، دیگر اسم ما را نیاورید.
- وقتی می‌بینید همه چیز را بلد هستید دیگر با پاسخ دادن به تست‌های تکراری و موضوعی وقت خودتان را تلف نکنید، فقط آزمون جامع حل کنید.
- تمام سؤالات عربی کنکور قاعده‌مند هستند به جز سؤالات درک مطلب یعنی ۲۱ سؤال با قاعده و با روال مشخص است و ۴ سؤال هم مفهومی و چالشی. عقل سلیم حکم می‌کند که اول ۲۱ سؤال را تثبیت کنید و سپس بروید سراغ ۴ سؤال درک مطلب. (البته برای درک مطلب مشغول کتاب «انفجار متن» هستیم که ایشالا به زودی از راه می‌رسه!)

۲. در این باره کتاب ترجمه، تعریب و مفهوم عربی کنکور از همین انتشارات به چاپ رسیده است.
۳. در این موضوع هم کتاب تجزیه، ترکیب و اعراب‌گذاری عربی کنکور از همین انتشارات به چاپ رسیده است.

منابع و بودجه‌بندی عربی

طبق فرمایشات سازمان محترم سنجش، تنها کتاب‌های عربی سال دوم و سوم دبیرستان منبع سوالات عربی کنکور است اما در همین سال ۹۲ طی یک حرکت غافل‌گیرانه چند سؤال از عربی اول دبیرستان آمده بود؛ پس با خودتون و آیندتون شوخی نکنید و هر چی که در این کتاب آمده را با دقت بخوانید. درباره‌ی بودجه‌بندی هم یک روال ثابت داریم:

- ۵ سؤال ترجمه
- ۱ سؤال مفهوم
- ۲ سؤال اعراب‌گذاری
- ۸ سؤال قواعد
- ۲ سؤال تعریب
- ۴ سؤال درک مطلب
- ۳ سؤال تجزیه و ترکیب

سپاس‌کده

برای اینکه کتاب حاضر به چاپ برسد، افراد زیادی زحمت کشیده‌اند به همین خاطر از تمام کسانی که بنده را در مراحل مختلف آماده‌سازی این کتاب یاری نمودند تشکر و قدر دانی می‌نمایم:

جناب آقای احمد اختیاری مدیر محترم انتشارات مهرماه، سرکار خانم سمیه جباری (مدیر تولید)، جناب آقای مهندس محسن فرهادی (مدیر هنری)، جناب آقای سامان شاهین‌پور (صفحه‌آرا)، سرکار خانم سمانه ملا (تایپیست)، سرکار خانم منیژه خسروی و آقایان محمد نقده دوز تهرانی و امیرحسین فخری که نمونه‌خوانی و ویراستاری علمی دقیق این کتاب را انجام دادند. هم‌چنین از سرکار خانم سمیه حیدری نیز به‌خاطر همه‌ی حوصله و صبری که در ارائه‌ی بی‌منت نظرات و پیشنهادهایشان در رابطه با نوع نگارش کتاب داشتند، تشکر می‌کنم.

تشکر آخر از دوست عزیزم، جناب آقای استاد ادیب شیخ‌بهایی است که پیوسته ما را از نظرات خود بهره‌مند نمودند. در پایان برای تمام شما دوستان عزیزم آرزوی موفقیت دارم و امیدوارم با نظرات سازنده‌ی خود ما را در بهبود پیشرفت این مجموعه یاری نمایید.

فردا از آن شباست...

مهران ترکبان

mehran_t_2010@yahoo.com

توضیح آیکونات (شرح نمادهایی که در کتاب بکار رفته است)

- | | |
|---|---|
|  پیش‌ غذا توصیه‌های مشاوره‌ای درباره‌ی مبحث و تیپ‌شناسی سؤالات آن |  نمان بربری تست‌های نون شب یا تست‌هایی که حتماً باید حل شوند. |
|  ویتامینه نکته |  دوپینگ نکات بسیار مهم |
|  شیر خشک یادآوری |  نون اضافه بیشتر بدانیم |
|  ترشی لیته نکات ترکیبی |  ناخنک بررسی و تحلیل گزینه‌ها |
| |  هلو پوست‌کنده راه‌حل میان‌بر و تستی |
| |  دلمه جمع‌بندی |
| |  نسوزی... هشدار و دام آموزشی |



فهرست

درس	تست	ساختار جمله	درس
۳۷۲	۷۷	جمله فعلیه (فاعل و مفعول)	۲۱
۳۷۸	۸۱	جمله اسمیه (مبتدا و خبر)	۲۲
۳۸۳	۱۲۵	نواسخ (افعال ناقصه، حروف مشبهه بالفعل، «لا»ی نفی جنس)	۲۳
۳۸۹	۱۱۷	معلوم و مجهول (نائب فاعل)	۲۴

درس	تست	منصوبات	درس
۳۹۶	۱۰۱	مفعول مطلق	۲۵
۴۰۳	۱۰۷	مفعول فیه	۲۶
۴۰۷	۱۱۲	حال	۲۷
۴۱۶	۱۱۹	تمییز	۲۸
۴۲۰	۱۲۳	مستثنی	۲۹
۴۲۵	۱۲۹	منادی	۳۰

درس	تست	سؤالات تکمیلی	درس
۴۳۰	۱۳۵	خطایابی	۳۱
۴۳۱	۱۳۷	حروف و کاربرد آن	۳۲

درس	تست	معنا، مفهوم و متن	درس
۴۳۲	۱۳۸	ترجمه	۳۳
۴۵۱	۱۷۸	تعریب	۳۴
۴۵۷	۱۹۴	مفهوم جملات	۳۵
۴۶۶	۲۰۴	درک مطلب	۳۶

درس	تست	اعراب‌گذاری و تجزیه و ترکیب	درس
۴۹۳	۲۲۹	اعراب‌گذاری	۳۷
۵۱۲	۲۳۸	تجزیه و ترکیب	۳۸
۵۲۰	۲۶۶	آزمون‌های جامع	

درس	تست	فعل	درس
۲۸۲	۱۰	مقدمات فعل	۱
۲۸۶	۱۱	ثلاثی مجرد و مزید	۲
۲۹۱	۱۳	لازم و متعدی	۳
۲۹۴	۱۵	معتلات و اعلال (مثال: اجوف و ناقص)	۴
۳۰۹	۲۵	مهموز و مضاعف	۵

درس	تست	اسم	درس
۳۱۰	۲۶	شناخت اسم / مذکر و مؤنث	۶
۳۱۳	۲۶	مفرد، مثنی و جمع	۷
۳۱۴	۲۸	جامد و مشتق	۸
۳۲۰	۳۱	ضمایر	۹
۳۲۳	۳۳	اسم‌های اشاره	۱۰
۳۲۴	۳۴	موصولات	۱۱
۳۲۶	۳۵	معرب و مبنی	۱۲
۳۲۹	۳۷	اسم از نظر حرف آخر	۱۳
۳۳۱	۳۸	معرفه و نکره	۱۴
۳۳۴	۴۱	منصرف و غیرمنصرف	۱۵

درس	تست	انواع اعراب و توابع	درس
۳۳۶	۴۴	انواع اعراب (ظاهری، محلی و تقدیری)	۱۶
۳۴۶	۵۳	اعراب فعل مضارع	۱۷
۳۵۳	۶۲	تست‌های ترکیبی «من» و «ما»	۱۸
۳۵۹	۶۵	عدد	۱۹
۳۶۴	۶۹	وصف و اضافه و توابع	۲۰

پرسش‌های چهارگزینه‌ای



70. عَيِّن الفعل المتعدّي إلى مفعولين:

- (1) فقدت صديقتي أباهما و أمها أيام الصبا من عمرها.
- (3) جعلت معلّمتي في العربية أسوة لنفسى في الحياة.

71. عَيِّن ما ليس فيه المفعول به:

- (1) أنا لا أكنز ذهبي و فضتي بل أنفقهما!
- (3) بعثت أختي هذه الهدايا إلى مساكين لا تعرفهم!

72. عَيِّن العبارة التي ليس فيها المفعول به:

- (1) أفلح المعلم وحيداً لأنّه يهتمّ بعمله كثيراً.
- (3) أطرق التلميذ الكسل رأسه حياءً من المعلم.

73. عَيِّن المفعول به:

- (1) عليك أن تحفظ قلبك في صلاتك.
- (3) و بصرك في بيوت الناس.

74. عَيِّن الجملة التي فيها مفعولان:

- (1) إنّ الله يحبّ الأشخاص المجدين.
- (3) تعلّمت الدروس الجديدة في الصف.

75. عَيِّن المتعدّي بمفعول به واحد:

- (1) الظلم لا يصدّ ذوى المروءة عن طريقهم!
- (3) اللهم اجعل عاقبة أمرنا خيراً!

76. عَيِّن المتعدّي إلى مفعولين:

- (1) أصبح منظر السماء رائعاً بظاهرة قوس قزح.
- (3) غروب الشمس في فصل الخريف صيّر السماء خلابة.

77. «حينما يرزق الله عبده عقلاً كاملاً و لساناً ناطقاً، فله فضيلتان!». عَيِّن المفعولين لفعل «رزق»:

- (1) عبده - عقلاً كاملاً (2) عقلاً - لساناً
- (3) كاملاً - لساناً (4) عبداً - عقلاً

78. عَيِّن المناسب لل فراغ: «فَرَّحَ»:

- (1) الوالد من نجاح ولده في الحياة.
- (3) الغني هؤلاء الأطفال لما ساعدهم.

79. عَيِّن الفعل المتعدّي:

- (1) امتحنت ولدي.
- (2) انكسرت يدي.

80. عَيِّن الجملة التي جاء فيها فعل متعدّد:

- (1) تهيات الطالبة لامتحان.
- (2) جلس أمام معلّمينا بأدب.

81. عَيِّن العبارة التي لا يوجد فيها المفعول به:

- (1) أنفقوا ممّا كسبتم من الطيّبات.
- (3) تنال ما تطلب بالجدّ و المثابرة.

82. عَيِّن «ما» مفعولاً به:

- (1) «ما يجحد بآياتنا إلّا الغافلون»
- (3) إنّ ما عملت مفيد لك.

83. أيّ الأجوبة متعدّية كلّها؟

- (1) دفع - دافع (2) قتل - تقاتل

84. أيّ العبارات جاء فيها فعل متعدّد؟

- (1) انكسرت الزجاجة.
- (2) تواضع المؤمن.

85. أيّ عبارة يشتمل على الفعل اللازم؟ (فقط)

- (1) تهياً الطالب لامتحان آخر الفصل الدراسي.
- (3) من أين اشتريت هذه الأشياء؟

86. أيّ عبارة لا تشتمل على الفعل المتعدّي؟

- (1) واهاً... كيف نبّلغها هذا الخبر؟
- (3) كان الفارس يواصل طريقه بصعوبة.

(سجّش 87)

- (2) وجدت السعادة في طاعة ربّي و استشارة والديّ في أمورِي.
- (4) اليوم أخبرنا المدير بإقامة حفلة تكريم تلميذ مثالي فرحاً.

(سجّش 87)

- (2) صديقك من يرشدك إلى خير السبيل!
- (4) صلت التلميذات خلف معلّمتهنّ بتواضع!

(سجّش 87 حبش يافنه)

- (2) قدّم الناس شكوى إلى القاضي لينظر فيها.
- (4) أريد أن أدعو تلميذات المدرسة للحضور في الندوة.

(سجّش 86)

- (2) و لسانك في اجتماع أصدقاك.
- (4) و معدتك في أكل الطعام.

(سجّش 86)

- (2) أنا أحترم الكبار و العلماء العظام.
- (4) وعد الله المؤمنين جنّات خالدين فيها.

(سجّش 86)

- (2) آتوا اليتامي حقّهم!
- (4) رأيناه خادماً فهيماً!

(سجّش 85)

- (2) يحاسب المعلّم تلاميذه يوم الامتحان.
- (4) استعرت كتاباً من صديقتي أمانةً مردودة.

(سجّش 85)

- (3) كاملاً - لساناً (4) عبداً - عقلاً

(سجّش 84)

- (2) لا يستسلم أمام صعوبات الحياة.
- (4) قلوب البؤساء من حسنات المؤمنين.

(سجّش 82)

- (3) نفّحت وردتي.
- (4) حضرت أستاذتي.

(سجّش 81)

- (3) و لا تأكلوا ممّا يحرم الله لكم!
- (4) يدخل المؤمنون في الجنة أفواجا.

(سجّش 81)

- (2) إنّ الله يدخل المؤمنات جنّات.
- (4) ما كلّ ما أتمنّى المرء يُدرّكه.

(سجّش 80)

- (2) أطلعت ما أمرتني به.
- (4) «ما ربك بغافل عمّا تعملون»

- (3) كتب - تكتب (4) هجر - هاجر

- (3) قاتل العدو.
- (4) نام الطالب.

- (2) بقي التاجر منتظراً يأمل هدوء البحر.
- (3) أحمد الله على سلامتي.

- (2) كيف ستواجه نبأ استشهاد ولدها؟
- (4) يندفع الأبناء مكبرين مهلّلين.

87. عَيِّن العبارة الَّتِي جَاءَ فِيهَا الْمَفْعُولُ بِهِ:

- (1) أنا أطلع كل يوم صباحاً و مساءً.
- (3) عاشَ رسول الله (ص) أكثر من ستين عاماً.

88. عَيِّن ما فيه الفعل المتعدي:

- (1) خرج الرسول (ص) من مكة و هو يردّد آية من القرآن.
- (3) نَجَحْتُ في الامتحان بحمد الله.

89. عَيِّن الجملة الَّتِي الفعل فيها متعدّ:

- (1) إنني سافرت إلى اصفهان في الصيف الماضي.
- (3) بكثرة التواضع يتكامل الشرف.

90. عَيِّن ما فيه الفعل المتعدي:

- (1) كيف نام عليّ (ع) في فراش الرسول (ص)؟
- (3) يا أيتها التلميذة! اعتزلي عن الرذائل!

91. عَيِّن العبارة الَّتِي جَاءَ فِيهَا الفعل اللازم فقط:

- (1) غَرَسَ البستاني مائة شجرة.
- (3) فحزن صاحب البقرة حزناً شديداً.

- (2) ابتعد عن الشرّ في حياتك دائماً.
- (4) لا تتكلّم بما لا يعينك.

- (2) كلّ عمل يحتاج إلى التضحية و حسن التدبير.
- (4) تمكّنت التلميذة من النجاح بعد جهد كثير.

- (2) بقي سعيد وحيداً في البيت لمطالعة دروسه.
- (4) من خاف العقاب انصرف عن السيئات.

- (2) أذن الله لهم بالهجرة إلى المدينة!
- (4) صدقت، انهم أكرموني لأنني أصيد لهم و لا أتكلم!

- (2) و جعلناهم أئمة يهدون بأمرنا.
- (4) أسّشهد الامام الرضا (ع) بعد عمر بلغ خمسة و خمسين عاماً.

معتلات و اعلال

4

تعداد سوالات: 165 پاسخ نامه و درسنامه: ص 294

سراسری

92. عَيِّن العبارة الَّتِي ما جَاءَ فِيهَا معتل مثال:

- (1) لم يَبِع صاحب المزرعة محاصيله إلّا مقداراً منها!
- (3) هؤلاء التلاميذ ذهبوا ليُودّعوا أهلهم لسفرة علمية!

93. عَيِّن الخطأ عن مادّة الفعل:

- (1) بعض الناس يَكِيدون في حياتهم كالثعلب! (كى د)
- (3) قُل رأيك في المجلس الاستشاري للطلاب! (ق و ل)

94. «..... في الأفاق و الأنفس حتّى تجارب كثيرة!» عَيِّن الخطأ للفراغ:

- (1) سير / تجد
- (3) سيري / تجدى
- (2) سيروا / تجدوا
- (4) سرن / تجدن

95. عَيِّن حرف العلّة «الياء» محذوفاً:

- (1) لا تَخُن في أموال إخوانك المسلمين أبداً، أيّها المسلم!
- (3) لم ينسني صديقي الكريم عند الشدائد و المصاعب في الحياة!

96. عَيِّن حرف العلّة «الياء» محذوفاً:

- (1) هم يرجون ربّهم في جميع أمور الحياة!
- (3) كيف تدّعين الدّرس و المدرسة دون سبب!

97. عَيِّن الصحيح في الإعلال:

- (1) لنستفيد من أوقات الفراغ و نكتسب العلم!
- (3) الضّالّون لم يمشيوا في الصّراط المستقيم!

98. عَيِّن الخطأ في الإعلال:

- (1) يُهب الله لنا علماً إن شاء!
- (3) حاولن أن تُجِدن بما تعدّن!

99. «..... رغم وجود المشاكل بالتوكّل على الله حتّى منها!» عَيِّن الخطأ للفراغ:

- (1) عيش / تنجو
- (3) عيشوا / تنجوا
- (2) عيشي / تنجي
- (4) عشن / تنجون

100. عَيِّن الخطأ في صيغة الأفعال:

- (1) دعى الهزل في الكلام و أهملية؛ يا بنتي العزيزة!
- (3) عليكن أن يذقن مصاعب الحياة لكسب التجارب القيّمة!

(رياضي 92)

- (2) يَجِب علينا أن لا نسجد إلّا لربّنا الذي خلقنا!
- (4) إن تجد نقوداً في الرّفاق ابحث عن صاحبها!

(تجربي 92)

- (2) الآباء الصّالحون لا يَدْعون أبناءهم لوحدهم! (دعو)
- (4) أنتم تصلون إلى الاكتفاء الذاتى أن تجتهدوا! (وصل)

(ربان 92)

- (2) سيروا / تجدوا
- (4) سرن / تجدن

(هنر 92)

- (2) هم يهبون أموالهم للفقراء و المساكين حبّاً لمساعدتهم!
- (4) لم يَدُر الكلام بين الحاضرين لأنّ الضّوء في الجلسة كانت كثيرة!

(رياضي 91)

- (2) إنهمين الناس عن المنكر أيّتها المؤمنات!
- (4) لم أنس نصائحك المفيدة في ذلك اليوم!

(تجربي 91)

- (2) إنّ الحاكم لم يدعوا النّاس إلى طاعته!
- (4) لا تنسى أن تخبريني عن قضيتك!

(ربان 91)

- (2) لألق صديقتي اليوم لأنّها أصبحت مريضة!
- (4) طلبت منه أن يجيء عندي و لكنّه لم يأت!

(هنر 91)

عَيِّن الخطأ للفراغ:

- (2) عيشي / تنجي
- (4) عشن / تنجون

(خارج از کشور 91)

- (2) علينا أن نخشى من أعمالنا السيئة أمام خالقنا الكريم!
- (4) المعلّمون يَعدّون طلبتهم بجوائز ثمينة إذا نجحوا في الإمتحان!

جامد و مشتق

8

تعداد سوالات: 62 پاسخنامه و درسنامه: ص 314

سراسرى

303. عَيِّنِ العبارة التى ما جاء فيها اسم الفاعل و اسم المفعول معاً:

- (1) أنا أحب الأمر بالمعروف و أستمع إلى كلامه بدقة!
- (3) هو الطالب الذى وقته مُعْتَمَد و قِيَمَ عنده!

304. عَيِّنِ ما فيه من المشتقات، أكثر:

- (1) ولكن الحاكم حكم بينهم بأحسن الحكم!
- (3) كان في هذه الجماعة مظلومون صامتون،

305. عَيِّنِ العبارة التى ما جاء فيها الصفة المشبهة:

- (1) مُنَحَتِ الطالبة جائزة في مراسيم تكريمها!
- (3) هؤلاء الأطباء حاذقون جداً في معالجة المرضى!

306. عَيِّنِ الأسماء المشتقة كلها:

- (1) أعزاء - شهور - صعب - ذهاب
- (2) آخر - مرضى - خطر - عذب

سنجش

307. عَيِّنِ العبارة التى ليس فيها «اسم مشتق»:

- (1) الفقراء المساكين هم من يحتاجون إلى مساعدتنا!
- (3) نجاح الإنسان في الاجتهاد و اغتنام الفرص في حياته!

308. عَيِّنِ ما ليس فيه اسم مشتق:

- (1) عندما وصفت لأسرتى سبب فرحى و سرورى، هم ضحكوا أيضاً!
- (3) ماء هذه البركة كدر و لا توجد فيها الأسماك كثيراً!

309. «هؤلاء الأولاد الصغار يلعبون لعبة جميلة في ساحة المنزل» عَيِّنِ المشتقات:

- (1) الأولاد - لعبة - جميلة
- (2) الأولاد - لعبة - ساحة

310. عَيِّنِ ما ليس فيه من المشتقات:

- (1) أصبح هذا الرجل شهيراً بين الناس في الأمانة!
- (3) هؤلاء العمال على وشك إيصال بلدهم إلى الإكتفاء الذاتي!

311. عَيِّنِ اسم الفاعل من المجرد الثلاثى:

- (1) الذين هم أهل المن و الإيذاء مبطلو صدقاتهم!
- (3) يتبع الهوى من هو غارق في الجهل!

312. عَيِّنِ اسم الفاعل من المزيد الثلاثى:

- (1) اشتهر الكتاب المسلمون بكتاباتهم العلمية و الفتيّة من قديم الزمان!
- (3) إنهم ذاهبون إلى عملهم أو عائدون إلى منازلهم!

313. «الفلاحان يزرعان الأرض عن قريب و يحصلان على المحاصيل النادرة» كم مشتقاً في العبارة؟

- (1) خمسة
- (2) أربعة
- (3) ثلاثة
- (4) اثنان

314. عَيِّنِ ما فيه مشتق من فعل مزيد:

- (1) الإنسان الشريف يحفظ نفسه من مواضع الظن!
- (3) ما نواجهه في القادم نتيجة عملنا أمس!

315. عَيِّنِ ما ليس فيه اسم مشتق:

- (1) وصلنا إلى المستشفى في هذا المحدد فأصبحنا فرحين!
- (3) أحد إخوانى يواجه العسر، مع هذا يساعد البؤساء!

316. عَيِّنِ ما ليس فيه من المشتقات:

- (1) شجّعنى الأطباء بتناول الرمان لعلاج المرضى!
- (3) انعقدت يوم أمس جلسة المناقشة حول بعض الدروس في صفنا!

(فنى حرفهائى 89)

- (2) الإنسان الناجح معتمد عند كل أصدقائه و أقربائه!
- (4) سأله الأستاذ متعجباً من كلام ذلك الشخص!

(فنى حرفهائى 89)

- (2) راجعته جماعة ليبادر بحل مشكلاتهم،
- (4) كان في تلك المدينة حاكم عادل و موحد.

(فنى حرفهائى 88)

- (2) جفف أخى وردة حمراء لها أوارق لطيفة!
- (4) كانت أمتى تعبئة، ولكنها استقبلتني بحفاوة!

(فنى حرفهائى 87)

- (3) جراثيم - مستشفى - أليم - رياح
- (4) مقاتلون - جذع - أرحم - رخاء

(سنجش 92)

- (2) الأهون من طلب التوبة ترك الذنب في كل الأحوال!
- (4) جاء النبى (ص) و نور الدنيا التى كانت مملوءة بالشر!

(سنجش 91)

- (2) إن أخى يواجه العسر، و لكنه يساعد الفقراء و المرضى!
- (4) أصبحنا فرحين بعد مشاهدة نجاح هؤلاء الطلبة!

(سنجش 91)

- (3) الصغار - ساحة - المنزل
- (4) الصغار - جميلة - المنزل

(سنجش 91)

- (2) يشتغل أخى ببيع السمكات الحمراء أياماً قبل العيد!
- (4) أنا أقدر على مساعدة الأشخاص الذين يحتاجون إلى مساعدتي!

(سنجش 91)

- (2) المعتبر بالتجارب هو ذو العقل السليم!
- (4) الكواكب مزينة سماء دنيانا!

(سنجش 91)

- (2) كانت معنويات قواتنا عالية على رغم وجود بعض الصعوبات!
- (4) الإنسان العاقل لا يضيع الوقت في ما لا ينفعه!

(سنجش 90)

- (3) ثلاثة
- (4) اثنان

(سنجش 90)

- (2) محصول عمر المعلم ما يغرسه!
- (4) نتيجة عمل الأديب ما يكتبه!

(سنجش 90)

- (2) يا شاب! لا تجعل السمكة في هذا الوعاء لأن ماءه كدر!
- (4) لما قلت لأهلى سبب فرحى، ابتسموا لى كلهم!

(سنجش 89)

- (2) أصبحت أوضاع القاعة مناسبة لإجراء المسرحية!
- (4) خير الأصدقاء لك من ابتعد عن الإفراط و التفريط في الصداقة!

(سجش 88)

- (2) منح هذا الرجل البؤساء مقدراً من فواكه بستانه فرحاً
(4) أخبرتنى أختي بأن إحدى معلّمتي تبحث عني!

(سجش 87)

- (4) الغيب - غضبان - كرسى
(3) فرحان - الأخرى - منذر

(سجش 87)

- (4) مساجد - أعلم - كفار - قوى
(2) فضائل - حديث - مساعدة - تقديم

(سجش 87)

- (2) قال المعلم: أنا لا أعرف أفضل و أنشط من طلاب هذا الصف!
(4) لما رجعت إلى المنزل كنت تعباً عطشانة كثيراً بسبب بُعد الطريق!

(سجش 86)

- (4) الرائد - جنود - عطش
(3) جنود - عطش

(سجش 86)

- (4) أربعة
(3) ثلاثة

(سجش 85)

- (4) ثلاثة
(3) أربعة

(سجش 85)

- (2) لا تكن جليس الحلاف المهيّن!
(4) رجع الطالب الناجح فرحاً من السباق.

(سجش 84)

- (4) استمع
(3) سمع

(سجش 83)

- (4) واحد
(3) اثنين

(سجش 83)

- (2) مؤمنة: اسم مفعول - صبورة: اسم مبالغة - البلاية: صفة مشبهة
(4) صديقة: صفة مشبهة - مؤمنة: اسم فاعل - صبورة: اسم مبالغة

(سجش 82)

- (2) صفة مشبهة من باب تفعل - اسم فاعل من باب انفعال
(4) صفة مشبهة من باب تفعيل - صفة مشبهة من باب افتعال

(سجش 82)

- (2) كوچك-تر - اسم فاعل - ضم داده شده - اسم مبالغة
(4) صغير-تر - تعليم دهنده - ضمّه دار - صفة مشبهة

(سجش 82)

- (2) ضلال: صفة مشبهة من ضلالة
(4) بارى: اسم فاعل من «أبر»

(سجش 82)

- (2) أنتم تحبون السلام و لكن تقاومون الظلم.
(4) تواضعوا بكثرة حتى يكثر احترامكم.

(سجش 82)

- (2) مساعدة الملهوف كفارة لذنوبنا.
(4) هذه الصلاة المقامة تقرّبنا من ربنا.

(سجش 81)

- (2) اسم مفعول من باب تفعيل
(4) اسم مفعول من مصدر تذكّر

(سجش 81)

- (4) قال ← مَقُول
(3) قضى ← مَقْضَى

317. عَيْن ما ليس فيه من المشتقات:

- (1) هذه السمكات بحاجة إلى حوض مملوء بالماء!
(3) أكرموا الذين يتقربون إلى الله بمواساة إخوانهم!

318. عَيْن الأسماء المشتقة كلّها:

- (1) موسى - قيادة - كفور

319. عَيْن المشتقات كلّها:

- (1) مُرسل - نبى - ضعف - نبوة

320. عَيْن ما ليس فيه صفة مشبهة:

- (1) إذا لقيت فقيراً مسلماً فسلم عليه مثل سلامك على الأغنياء!
(3) بُعث النبي (ص) في وقت كان الناس يهتمون بالبيان و الفصاحة!

321. «أراد الرائد أن يجرب جنوده فوضعهم في العطش و الصعوبة» عَيْن الأسماء المشتقة:

- (1) الرائد - جنود
(2) الرائد

322. «الدنيا أدنى من أن تجعلها أكبر ما في همتك» كم اسماً مشتقاً في العبارة؟

- (1) واحد
(2) اثنان

323. «حضرْتُ عند أصدقائي آسفاً و هم فرحون» كم اسماً مشتقاً في العبارة؟

- (1) اثنان
(2) واحد

324. عَيْن ما ليس فيه اسم جامد:

- (1) أصدقائي يساعدونني في الشدة.
(3) لا نشرب و لا نأكل في أيام الصيام!

325. عَيْن الصحيح للفراغ: «هذا الكلام ...»

- (1) مسموع
(2) سامع

326. كم اسماً مشتقاً في العبارة التالية؟ «اعلم أن طاعة الجيش و شجاعتهم أهم من عدّتهم!»

- (1) أربعة
(2) ثلاثة

327. عَيْن نوع المشتق: «عندى صديقة و هي مؤمنة صبورة عند البلايا»

- (1) مؤمنة: اسم فاعل - صبورة: اسم تفضيل - عند: صفة مشبهة
(3) صديقة: صفة مشبهة - مؤمنة: اسم مفعول - صبورة: اسم مبالغة

328. عَيْن الصحيح عن «مُتَوَهِّجٍ، مُتَنَصِّرٍ»:

- (1) اسم فاعل من باب تفعل - اسم فاعل من باب افتعال
(3) اسم فاعل من باب تفعيل - صفة مشبهة من باب افتعال

329. عَيْن الصحيح: «صُغْرَى - مُعْلَمَةٌ - مَضْمُومَةٌ - عَلَامَةٌ»

- (1) اسم تفضيل - اسم مفعول - دارى ضمّه - دانا
(3) اسم تفضيل - تعليم داده شده - اسم مفعول - داننده

330. عَيْن الصحيح:

- (1) صَغَر: كوچكى، مصدر
(3) سوداء: اسم تفضيل على وزن فعلى

331. عَيْن ما فيه مشتق:

- (1) الحمد لله الذى يرحمنا و يغفر لنا.
(3) عامل أصدقاءك برفق و احسان.

332. عَيْن ما ليس فيه «اسم مفعول»:

- (1) فى بلادنا أمكنة مقدّسة كثيرة.
(3) من كان شكوراً عند الرخاء فهو مؤمن.

333. عَيْن الصحيح عن «مذكرات» فى العبارة التالية: «قد كتبوا فى مذكراتهم أسرار نجاحهم»

- (1) اسم فاعل من باب تفعيل
(3) اسم فاعل من مصدر مذاكرة

334. عَيْن الخطأ فى اسم المفعول.

- (1) باع ← مَبِيع
(2) دَعَا ← مَدْعَوْ

■ عین المناسب فی الجواب عن الأسئلة التالية (3480-3487):

(سنجش 92)

3480. عین العبارة التي كل أسمائها جامدة:
 (1) الصادقون لا يكذبون الحقائق حولهم!
 (3) على الإنسان أن يغتنم الفرصة في حياته!
 3481. عین العبارة التي ليس فيها المضارع مجزوماً:
 (1) المؤمنون لا يشركوا أحداً بعبادة ربهم!
 (3) الكافرون لن يفقهوا كلام الحق في حياتهم!

(سنجش 92)

3482. عین المعتل الناقص:
 (1) عدوا الآخرين بالحسنة، هذه من خصال الأنبياء!
 (3) لم يرم هذا الطفل الحجر في بيت جيرانه!
 3483. عین الحال جملةً:
 (1) هذه عصفورة صغيرة تطير فوق الأشجار!
 (2) في ضواحي المدينة جبال متعددة هي عمود الأرض!
 (3) دخل المعلمون الصفوف، و تلاميذهم مستعدون لفهم الدروس!
 (4) أعتقد أن الإنسان يستحق كل ثناء لأنه أشرف المخلوقات على الأرض!

(سنجش 92)

3484. عین ما ليس فيه التمييز:
 (1) شاهدت طالبة حسنة أخلاقاً بالنسبة إلى غيرها!
 (3) بعد استماع نبأ انتصار المقاتلين امتلأت قلوبنا فرحاً!
 3485. عین النعت جملةً:
 (1) نرى الكواكب في السماء تنور أرضنا و تلك إحدى التعم الإلهية!
 (2) رسمت صورة جميلة للطفل الصغير يبتسم و كان وجهه مسروراً!
 (3) انعقدت الندوة العظيمة في دائرة التربية و التعليم و اشتركت جماعة كبيرة فيها!
 (4) نبغ المسلمون في مجالات مختلفة من العلوم لم يستطع أحد من الوصول إليها!

(سنجش 92)

3486. املاً الفراعين بما يناسب للمفعول المطلق النوعي: «..... وطني كثيراً»
 (1) يحب / حبة (2) تحب / الحب (3) أحببت / محبة (4) أحب / حبة
 3487. عین المستثنى المفرغ:
 (1) استطاع التلميذ أن يواجه مشاكله إلا هذه المشكلة!
 (3) ما استقيظ من النوم صباحاً باكراً إلا ابني الصغير!

(سنجش 92)

3488. «الثورة تقدّمت في البلاد الأجنبية و كادت تشمل المجتمعات الاخرى و لكن جاء منج أنجي الناس من الضلال و أراهم سبيل الله الطاهر»:
 (1) انقلاب در سرزمین‌های بیگانه پیشرفت کرد و نزدیک بود جوامع دیگر را دربر بگیرد اما رهایی‌بخشی آمد که مردم را از گمراهی رهاوند و راه پاک خداوند را به آن‌ها نشان داد!

(سنجش 92)

- (2) در سرزمین‌های بیگانه جنبش شروع کرد که پیشرفت کند و نزدیک بود جامعه‌های دیگر را هم شامل شود اما یک نجات‌دهنده آمد که مردم را از ضلالت می‌رساند و راه خداوند منزه را به ایشان نشان می‌داد!
 (3) در سرزمین‌های بیگانه انقلاب پیشرفت نمود و حتی نزدیک بود که دیگر جوامع را هم دربر بگیرد اما یک رهایی‌بخش آمد که انسان را از گمراهی نجات داد و به او راه خداوند پاک را نشان داد!
 (4) انقلاب در سرزمین‌های خارجی پیشرفت می‌کند و نزدیک است که جامعه‌های دیگر را دربر بگیرد اما یک نجات‌دهنده آمد و مردم را از گمراهی نجات داد و راه پاک خداوند را به آن‌ها نمایاند!

(سنجش 92)

3489. «الجرأيم تسبب أن نصاب بالأمراض العديدة و لكن الوقاية أفضل الطريق في حياتنا الحديثة»:
 (1) میکروب‌ها باعث دچار شدن ما به بیماری‌های بسیار می‌شود اما در زندگی جدیدمان پیشگیری بهترین راه است!
 (2) این میکروب‌ها هستند که سبب می‌شوند ما به بیماری گوناگون دچار شویم ولی در زندگی جدید پیشگیری بهتر از درمان است!
 (3) میکروب‌ها باعث می‌شوند که به بیماری‌های زیادی دچار شویم با این حال پیشگیری بهترین راه در زندگی جدید ما است!
 (4) میکروب‌ها مسبب دچار شدن ما به امراض زیاد هستند ولی بهترین راه در زندگی ما همان پیشگیری است!

آزمون جامع 2 (تألیفی)



■ عین الأصح و الأدق في الأجوبة للترجمة أو التعريب أو المفهوم (3495-3489):

3488. «الثورة تقدّمت في البلاد الأجنبية و كادت تشمل المجتمعات الاخرى و لكن جاء منج أنجي الناس من الضلال و أراهم سبيل الله الطاهر»:
 (1) انقلاب در سرزمین‌های بیگانه پیشرفت کرد و نزدیک بود جوامع دیگر را دربر بگیرد اما رهایی‌بخشی آمد که مردم را از گمراهی رهاوند و راه پاک خداوند را به آن‌ها نشان داد!
 (2) در سرزمین‌های بیگانه جنبش شروع کرد که پیشرفت کند و نزدیک بود جامعه‌های دیگر را هم شامل شود اما یک نجات‌دهنده آمد که مردم را از ضلالت می‌رساند و راه خداوند منزه را به ایشان نشان می‌داد!
 (3) در سرزمین‌های بیگانه انقلاب پیشرفت نمود و حتی نزدیک بود که دیگر جوامع را هم دربر بگیرد اما یک رهایی‌بخش آمد که انسان را از گمراهی نجات داد و به او راه خداوند پاک را نشان داد!
 (4) انقلاب در سرزمین‌های خارجی پیشرفت می‌کند و نزدیک است که جامعه‌های دیگر را دربر بگیرد اما یک نجات‌دهنده آمد و مردم را از گمراهی نجات داد و راه پاک خداوند را به آن‌ها نمایاند!

3489. «الجرأيم تسبب أن نصاب بالأمراض العديدة و لكن الوقاية أفضل الطريق في حياتنا الحديثة»:

- (1) میکروب‌ها باعث دچار شدن ما به بیماری‌های بسیار می‌شود اما در زندگی جدیدمان پیشگیری بهترین راه است!
 (2) این میکروب‌ها هستند که سبب می‌شوند ما به بیماری گوناگون دچار شویم ولی در زندگی جدید پیشگیری بهتر از درمان است!
 (3) میکروب‌ها باعث می‌شوند که به بیماری‌های زیادی دچار شویم با این حال پیشگیری بهترین راه در زندگی جدید ما است!
 (4) میکروب‌ها مسبب دچار شدن ما به امراض زیاد هستند ولی بهترین راه در زندگی ما همان پیشگیری است!

3490. «فی الحرب العالمیة الثانية جمع القائد جنوده الكبار و قال لهم: «إِنَّ عَدُوَّنَا أَقْوَى و علينا أَنْ نتفكَّر في خُطَّةٍ لنهزمه»:

- (1) در جنگ جهانی دوم فرمانده، سربازان بزرگش را جمع کرد و به آن‌ها گفت: دشمن ما قوی‌ترین است و ما باید در مورد نقشه‌ای اندیشه کنیم برای اینکه او را شکست دهیم.
- (2) در جنگ جهانی دوم فرمانده، سپاهیان بزرگ خود را جمع کرد و به آن‌ها گفت: دشمن ما قوی است و بر ماست که در مورد نقشه‌ای فکر کنیم تا او را شکست دهیم.
- (3) در جنگ جهانی دوم بود که رهبر، سربازان ارشد خود را جمع می‌کرد و به آن‌ها می‌گفت: همانا دشمن تواناترین است و ما باید درباره‌ی یک نقشه فکر کنیم تا او را شکست دهیم.
- (4) در جنگ جهانی دوم رهبر، سربازان بزرگ خود را جمع کرد و به آن‌ها گفت: به درستی که دشمن ما توانا است و برماست که درباره‌ی نقشه‌ای فکر کنیم تا او را شکست دهیم.

3491. عَنِ الصَّحِيح:

- (1) أخيراً فهم أَنَّ الأمرَ صعبٌ لها فقال: يا لها من أَمٍّ حنونٍ! سرانجام دریافت که کار برای او دشوار است، پس گفت: ای کسی که مادر مهربان دارد،
- (2) لماذا لا تساعد أُمِّك في الحياكة و إنما تأخذ منه النقود و تستريح؟ چرا به مادرت در بافتن کمک نمی‌کنی و فقط از او پول می‌گیری و استراحت می‌کنی؟
- (3) في الأسبوع الماضي مازال الأب ينصرف نحو المسجد و يعود و لم يقل لنا ما هو سببها! در هفته‌ی گذشته پیوسته پدر به سمت مسجد می‌رفت و باز می‌گشت و به ما نمی‌گفت که علت چیست!
- (4) ليت الناس لا يخونون الإمام و يفهمون أَنَّ الله يرى أعمالهم كلها! ای کاش مردم به امام خیانت نکنند و بدانند که خداوند ناظر تمام کارهای آن‌ها است!

3492. عَنِ الْخَطَأ:

- (1) «أُكِّد الله في القرآن على احترام الناس فلا يحبُّ أَنْ يری عبده و هو يرحب بالغنى و يرغب عن الفقر»؛ خداوند در قرآن بر احترام گذاشتن به مردم تاکید کرده است پس دوست ندارد که بنده‌اش را ببیند در حالی که به ثروتمند خوش آمد می‌گوید و از تهی‌دست روی گردان است.
- (2) «يا أيُّها الذين ينتظرون الإمام العادل سنيئاً لماذا تعمل لسانكم فقط و لا تعملون عملاً يُقَرِّب ظهوره لنا؟» ای کسانی که سال‌ها انتظار امام عادل را می‌کشید چرا تنها زبانتان کار می‌کند و کاری را انجام نمی‌دهید که آشکار شدن او را برای ما نزدیک می‌کند.
- (3) «يمكن أَنْ يتصدَّق رجل فقير بجرته الحزفية، على سبيل المثال سيُشرِّبنا ماءً فهذا لن يختلف عن مالٍ يُحصلُ قلب المسكين»؛ ممکن است که مردی فقیر با کوزه‌ی سفالی خود صدقه دهد به طور مثال به ما آبی خواهد نوشاند و این هرگز با مالی که دل فقیر را به دست می‌آورد تفاوت ندارد.
- (4) «كانت هذه الأشجار عُرس قبل عامين و نحن كنّا نستفيد منها حتى أصبنا بغضب الله بسبب المنّ و الأذى»؛ این درختان دو سال قبل کاشته شدند و ما از آن‌ها استفاده می‌کردیم تا اینکه به خاطر منت گذاشتن و آزار رساندن به خشم خداوند دچار شدیم.

3493. عَنِ الْخَطَأ في المفهوم:

- (1) كلٌّ طائر يطير مع شكله! شغال بیشه‌ی مازندران را / نگیرد جز سگ مازندرانی
- (2) المرء مخبوء تحت لسانه! هنر بیان است از اختیار سخن / چنان که زیر زبان است پایگاه رجال
- (3) السعيد من وعظ بغيره! مجلس وعظ رفتنت هوس است / مرگ همسایه واعظ تو بس است
- (4) الوحدة خير من جليس السوء! إِنْ تحبَّ أَنْ تكون وحيداً في حياتك فلا تجالس الذي خلقه سيئ

3494. «در روز تولد مادرم از مهمانان استقبال می‌کردیم و خوشحال بودیم زیرا اقواممان دعوت ما را پذیرفتند و با حضورشان در مجلس ما را گرامی داشتند»:

- (1) كنّا نستقبل الضيوف في يوم ميلاد أمي و كنّا فرحين لأنّ أقربائنا قبلوا دعوتنا و اكرمونا بحضورهم في المحفل!
- (2) كنّا استقبلنا ضيوف أمي في يوم ميلادها و صرنا فرحين أنّ أقربائنا أجابوا دعوتنا و كرمونا بحضورهم في المجلس!
- (3) كنّا نستقبل الضيوف في يوم الميلاد أمي و كنّا فرحين لأنّ أقربائنا استجابوا لداعنا و اكرمونا بحضورهم في الحفلة!
- (4) في يوم ميلاد الأمّ كنّا نستقبل الضيوف و أصبحنا فرحات لأنّ أقاربنا كرمونا بحضورهم في المحفل و قبلوا دعوتنا!

3495. «چرا گمان می‌کنی که ثروتمند همیشه موفق می‌شود، مگر نمی‌دانی که فقر انسان را به شخصی تبدیل می‌کند که به دیگران نیاز نخواهد داشت بلکه گاهی اوقات ثروتمند از او یاری می‌خواهد»:

- (1) لماذا تظنّين أنّ ذا الثروة ينجح دائماً، أ لا تعلمين أنّ الفقر يحوّل الإنسان مرءً لن يحتاج إلى الآخرين بل يستعينه الغنيّ بعض الأحيان!
- (2) لم تظنّ أنّ الغنيّ يفوز دائماً، أ لا تعلم أنّ الفقر سيبدّل المرء شخصاً لن يحتاج إلى الآخرين بل يستنصره الغنيّ بعض الأوقات!
- (3) لماذا تحسب أنّ ذا السعة ينجح دوماً، أ لا تعلمين أنّ البؤس يحوّل الإنسان شخصاً لا يحتاج إلى الآخرين بل يستعينه ذو الثروة أحياناً.
- (4) لم تظنّين أنّ الغنيّة تنجح دوماً، أ لا تعلمين أنّ البؤس يبدّل المرء شخصاً ليس بحاجة إلى الآخرين بل يستنصره ذات السعة بعض الأوقات.

■ ■ ■ اِقْرَأ النَّصَّ التَّالِي ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (3496-3499):

تصدی السید الشریف الرضی (الذی يرجع نسب جدّه الی الإمام علیّ (ع) و عاش فی القرن الرابع) لجمع عدد من کلمات الإمام علیّ (ع) و رسائله و خطبه فی کتاب سمّاه «نهج البلاغة». هذه التسمية تدلّ علی البلاغة التي تجري فی کلام الإمام و کلمة النهج أي الطريق الواضح و من عنوان الكتاب يظهر أنّ مؤلفه تصدّي لِإنتخاب الأفضح و الأبلغ من کلام قائله فی موضوعات مختلفة مثل التّوحيد و الحکمة و التّربية و المواعظ و المسائل السّیاسیة و الإجماعیة و الإقتصادیة و الحرّیة، و قد تغاضی الشّریف الرضی عن الکلمات التي کان یراها أقلّ فی درجة الفصاحة و البلاغة و بهذا التغاضی ضاع غیر قليل من کلام أميرالمؤمنین (ع) فی أعماق التاریخ. فی هذا الكتاب تجلّت مواقف الإمام (ع) سواء کان هذا التجلّي فی مواقفه من أصحابه أم من أعدائه و فی هذا الكتاب

1 | مقدمات فعل

پیش غذا

قبل از اینکه بریم سر اصل مطلب و وارد مباحثه اصلی و مردافکن فعل، مثل لازم و متعدی و معتلات و ... بشیم بد نیست به یادآوری نخودی روی موضوعات مقدماتی این مبحث داشته باشیم تا احياناً کسی تو خلوت خودش و بغضی که گلوش رو چنگ می‌زنه، نگه خدا یا فعل کیم دی؟ خوردنی دی یا پوشیدنی؟ پس به جای تماشای در و دیوار و لذت بردن از گل‌های قالی و یا چک کردن اس‌ام‌اس، این قسمت رو با دقت مُکفی بخونید. امیدوارم توقع نداشته باشید که از این چیزهایی که الآن می‌خواهید بخونید در کنکور مستقیماً سؤال طرح بشه. پس این مطالب به طور غیر مستقیم در حلّ سؤالات مختلف به شما کمک می‌کند مثلاً پیدا کردن فعل در جمله علاوه بر حلّ تست‌هایی که تعداد افعال را می‌خواهد به پیدا کردن فاعل، مفعول به، جمله‌ی اسمیه یا فعلیه بودن و بسیاری از موارد دیگر کمک می‌کند. پس بریم به دوران شیرین طفولیت و نکات مرحله‌ی دوم نوزادی را در باره‌ی فعل دوره کنیم.

شناخت فعل و ویژگی‌های آن

مسئله‌ی مهم و اساسی در عرصه‌ی بین‌المللی این است که فعل چه ویژگی‌هایی دارد؟ و راه تشخیص آن چیست؟ برای حلّ این بحران بشری به برخی از ویژگی‌های فعل توجه کنید:

الف) ویژگی‌هایی که باید قبل از کلمه به دنبال آن باشیم: (اولش اینا رو داشت فعلاً!)

■ آمدن «قد - ما - لن - أن - سوف - لم - لَمْ» بر سر کلمه. **مثال** قد فَرَحَ - ما ذَهَبَ - لن يَنْجَحَ - سوف ينظرُ - لَمْ يصبرْ

ب) ویژگی‌هایی که باید آخر کلمه به دنبال آن باشیم:

■ وجود ضمائر «ت - ثَمَا - تُم - ت - ثَمَا - تَنْ» در پایان کلمه. **مثال** نصرت - نصرْتُما - ذهبْتُ - صَلَّيتُ - اِكْتَسَبْتُما - فرحتُنْ

■ وجود «ت» ساکن (علامت تأنیث در افعال) در پایان کلمه. **مثال** ذَهَبَتْ - انْصَرَفَتْ - دَعَتْ - قَالَتْ

■ مجزوم شدن کلمه. **مثال** لم يصبرْ - إن يَجْتَهِدْ يَنْجَحْ

■ آمدن «نون» تأکید در آخر کلمه. **مثال** يصبرَنَّ - تَذَهَبَنَّ

+ نون تأکید در صفحه‌ی 327 توضیح داده شده است ولی به عنوان یک توضیح کلی بدانید که نون تأکید حرفی است که به انتهای فعل مضارع می‌چسبد و بر آن تأکید می‌نماید.

این حرف یا به صورت «نْ» و یا به صورت «ن» می‌آید و حرکت قبل از آن هم همیشه فتحه می‌باشد. همین نکته هم باعث تمایز آن از صیغه‌های (6 و 12) می‌شود چون حرکت ماقبل آخر این دو صیغه ساکن است.

مثال يَجْلِسَنَّ ← صیغه‌ی (6) است. يَجْلِسَنَّ ← صیغه (1) + نون تأکید است.



? اگر کلمه‌ای این ویژگی‌ها را نداشت فعل نیست؟ فقط این‌ها ویژگی‌های فعل هستند؟

خیر، ویژگی‌هایی که مطرح شد درباره‌ی تمام افعال صادق نیست، بنابراین ممکن است یک کلمه فعل باشد ولی این مشخصات را نداشته باشد. در این شرایط باید از سبک و سیاق جمله و یا ترجمه بهره بگیرید.

دلمه

■ هر کلمه‌ای که یکی از ویژگی‌های فوق را داشت ← فعل است.

■ اگر کلمه‌ای دارای این ویژگی‌ها نبود ← ممکن است فعل باشد و ممکن است فعل نباشد. **مثال** ذَهَبَ عَلِيٌّ إِلَى السُّوقِ ← علی به بازار رفت. با توجه به ترجمه (رفت) و وجود «علی» که فاعل است متوجه می‌شویم «ذَهَبَ» فعل است.

صیغه‌ی فعل

منظور از صیغه این است که فعل از نظر تعداد انجام‌دهندگان، جنس انجام‌دهندگان و حضور یا عدم حضور انجام‌دهندگان آن، چه حالت و وضعیتی دارد. در زبان عربی چهارده صیغه وجود دارد که هر کدام بیانگر مفهوم خاصی هستند.

● غایب

1 | للغائب ← مفرد مذکر غایب

2 | للغائبین ← مثنی مذکر غایب

3 | للغائِبِینَ ← جمع مذکر غایب

4 | للغائبة ← مفرد مؤنث غایب

5 | للغائِبَتِینِ ← مثنی مؤنث غایب

6 | للغائبات ← جمع مؤنث غایب

● مخاطب

- 7 للمخاطب ← مفرد مذکر مخاطب 8 للمخاطبين ← مثنی مذکر مخاطب 9 للمخاطبين ← جمع مذکر مخاطب
10 للمخاطبة ← مفرد مؤنث مخاطب 11 للمخاطبتين ← مثنی مؤنث مخاطب 12 للمخاطبات ← جمع مؤنث مخاطب

● متکلم

- 13 للمتکلم وحده ← مفرد مؤنث یا مذکر متکلم 14 للمتکم مع الغير ← مثنی یا جمع مذکر یا مؤنث متکلم



? چرا در دو صیغه‌ی آخر گفتید: «مفرد مؤنث یا مذکر» و «مثنی یا جمع»؟

صیغه‌ی متکلم وحده برای مذکر و مؤنث یکسان است پس وقتی ضمیر «أنا» می‌آید هم می‌تواند برای مذکر به کار رفته باشد و هم می‌تواند بیانگر اسمی مؤنث باشد. در صیغه‌ی متکلم مع‌الغیر هم علاوه بر اینکه مذکر و مؤنث یکسان هستند مثنی و جمع هم یکسان می‌باشند، بنابراین ضمیر «نحن» چهار حالت و ضمیر «أنا» دو حالت دارد و به ترتیب می‌توانند چهار و دو نوع اسم بپذیرند:
أنا: 1 مفرد مذکر (عالم) 2 مفرد مؤنث (عالمه)

نحن: 1 مثنی مذکر (معلمان) 2 مثنی مؤنث (معلمتان) 3 جمع مذکر (معلمون) 4 جمع مؤنث (معلمات)
البته دقت کنید که برای هر دو ضمیر بالا «أنا» و «نحن» فقط می‌توانیم یک نوع فعل بیاوریم که به ترتیب از صیغه‌های (13 و 14) ماضی یا مضارع بهره می‌گیریم.

أنا ماضی ← ذَهَبْتُ مضارع ← أَذْهَبُ
نحن ماضی ← ذَهَبْنَا مضارع ← نَذْهَبُ

فعل از نظر زمان (ماضی - مضارع - امر)

پیش غذا

فعل از نظر اینکه در چه زمانی انجام شده است به سه دسته‌ی ماضی، مضارع و امر تقسیم می‌شود. نکته‌ی مهمی که وجود دارد این است که خود این زمان‌ها می‌توانند انواع مختلفی داشته باشند؛ مثلاً فعل ماضی انواع مختلفی مثل ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی استمراری و... دارد و یا فعل مضارع به مضارع اخباری و التزامی تقسیم می‌شود. اما تقسیم‌بندی دوم در رابطه با قواعد نیست بلکه مربوط به ترجمه است. پس ما در بحث قواعد صرفاً فعل را به سه دسته‌ی ماضی، مضارع و امر تقسیم می‌کنیم ولی این افعال در بحث ترجمه به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند:



? این مطالب به ما چه ربطی دارد؟ ما که نمی‌خوایم عربی‌دان بشیم! چرا قضیه رو استدلالی می‌کنید؟ اصلن عربی چیه بابا؟ من فیزیک دوس دارم!

اولاً لازم نکرده عربی‌دان شی، تو سعی کن گردگیری کامپیوتر تو به دانشگاه، زیر پونز نقشه قبول شی، بسه! ثانیاً نتیجه‌ی بحث بالا این می‌شه که ما با اجازه‌ی بزرگ‌ترهای مجلس تقسیم‌بندی زمان‌های مختلف افعال رو برخلاف سایر کتاب‌های کنکوری، اینجا، یعنی وسط قواعد مطرح نمی‌کنیم و شما را با تمام احترام به بخش ترجمه ارجاع می‌دهیم، خیر پیش ...
البته برای اینکه خیلی دست خالی نباشی و یک پیش فرضی هم بشه؛ به جدول کلی از زمان‌ها برات می‌کشیم که دیگر از دست عربی به سمت فیزیک و شیمی گوله نکنی. به عنوان نکته‌ی آخر هم حواستون باشه که پیدا کردن زمان فعل (ماضی - مضارع - امر) در برخی از سؤالات تجزیه و ترکیب نقش مهمی دارد.

زمان	فرمول	مثال	ترجمه
ماضی نقلی مثبت	«قَدْ» + ماضی	قَدْ ذَهَبَ	رفته است.
ماضی نقلی منفی	«لَمْ» + «قَدْ» + ماضی «لَمْ» + مضارع	مَا قَدْ ذَهَبَ لَمْ يَذْهَبْ	نرفته است. نرفته است.
ماضی بعید مثبت	«كَانَ» + «قَدْ» + ماضی	كَانَ قَدْ ذَهَبَ	رفته بود.
ماضی بعید منفی	«كَانَ» + «لَمْ» + ماضی «كَانَ» + «لَمْ» + مضارع «لَمْ» + مضارع «كَانَ» + ماضی	مَا كَانَ ذَهَبَ كَانَ مَا ذَهَبَ لَمْ يَكُنْ ذَهَبَ	نرفته بود. نرفته بود. نرفته بود.
ماضی استمراری مثبت	«كَانَ» + مضارع	كَانَ يَذْهَبُ	می‌رفت.
ماضی استمراری منفی	«كَانَ» + «لَمْ» + مضارع «كَانَ» + «لَمْ» + مضارع «لَمْ» + مضارع «كَانَ» + مضارع	مَا كَانَ يَذْهَبُ كَانَ لَا يَذْهَبُ لَمْ يَكُنْ يَذْهَبُ	نمی‌رفت. نمی‌رفت. نمی‌رفت.

زمان	فرمول	مثال	ترجمه
مضارع التزامی	فعل شرط در جملات شرطی ادات ناصبه + مضارع (به جز «لن») «لک» امر غایب + مضارع خبر «لیت» و «لعل» اگر مضارع باشد.	من یدرسُ یتَجَحُّ أُریدُ أَنْ تَنْجَحَ لنَذْهَبَ لیته یرجع	هر کس درس بخواند موفق می‌شود. می‌خواهم که موفق بشوی. باید برویم. کاش او بازگردد.
آینده‌ی مثبت	«سَ» یا «سوف» + مضارع	سیذهبُ	خواهد رفت.
آینده‌ی منفی	«لن» + مضارع	لن یدهبُ	هرگز نخواهد رفت.

اگه جدول رو زدی تو رگ بریم سر اصل مطلب!

● **فعل ماضی** ➡ دارای (14) صیغه است که بیانگر انجام کاری در زمان گذشته می‌باشد. به الگوی صرف فعل ماضی توجه کنید.

غایب	مخاطب	متکلم
فَعَلَ	فَعَلْتَ	أَفْعَلُ
فَعَلَا	فَعَلْتُمَا	نَفَعُلُ
فَعَلُوا	فَعَلْتُمْ	نَفَعُلُونَ

● **فعل امر مخاطب** ➡ از شش صیغه‌ی مخاطب فعل مضارع و با فرمول زیر ساخته می‌شود:

1 حرف اول (حرف مضارع) را حذف می‌کنیم.

2 انتهای فعل را مجزوم می‌نماییم؛ به این صورت که اگر «کُ» بود تبدیل به «کَ» و اگر «نَ» بود، حذف می‌شود. (به جز صیغه‌های 6 و 12 که مبنی‌اند و نونشان حذف نمی‌شود)

3 به ابتدای فعل، همزه اضافه می‌کنیم و اگر عین الفعل ضمه (ـُ) داشت، همزه با ضمه می‌آید و اگر عین الفعل (ـِ یا ـَ) داشت، همزه با کسره (ـِ) می‌آید.

مثال

■ تَذْهَبُ ➡ حذف حرف اول ➡ ذَهَبُ ساکن کردن آخر ➡ ذَهَبُ ➡ آوردن همزه ➡ اِذْهَبْ
■ تَجْلِسُونَ ➡ حذف حرف اول ➡ جَلِسُونَ ➡ حذف (ن) ➡ جَلِسُوا ➡ آوردن همزه ➡ اِجْلِسُوا

حالا که سه دسته‌ی اصلی رو یاد گرفتید بد نیست با فعل نهی که از فعل مضارع ساخته می‌شود و در تقسیم‌بندی‌ها جزء افعال مضارع است، آشنا شوید.

● **فعل نهی** ➡ برای ساختن فعل نهی به ابتدای فعل مضارع «لا» اضافه می‌کنیم و انتهای آن را مجزوم می‌نماییم.

تَكْتُبُ ➡ لَا تَكْتُبْ / تَقْرَؤُونَ ➡ لَا تَقْرَؤُوا / يَتَقَلَّانِ ➡ لَا يَتَقَلَّانِ / تَذْهَبِينَ ➡ لَا تَذْهَبِينَ

نوسازی...

● در رابطه با مجزوم کردن دقت کنید که «نور» در صیغه‌های (6 و 12) حذف نمی‌شود زیرا این دو صیغه مبنی هستند و آخر آن‌ها تغییر نمی‌کند.

مثال

● صیغه‌های (4 و 7) «تَفَعَّلُ» و صیغه‌های (5، 8 و 11) «تَفَعَّلَانِ» در فعل مضارع به صورت یکسان صرف می‌شوند. لذا دقت کنید که با توجه به ساختار

جمله باید متوجه شوید که فعل، در کدام صیغه است.

■ فَاطِمَةُ تَذْهَبُ إِلَى الْمَسْجِدِ. ➡ فاطمه به مسجد می‌رود.

با توجه به «فاطمه» و اینکه مخاطب ما نیست متوجه می‌شویم که «تَذْهَبُ» به صیغه‌ی (4) «لِلْغَائِبَةِ» است.

■ يَا مُعَلِّمُ! مَا تَدْرُسُ فِي الْصَفِّ؟ ➡ ای معلم! چه چیزی در کلاس درس می‌دهی؟

با توجه به اینکه «معلم» مخاطب است درمی‌یابیم که «تَدْرُسُ» به صیغه‌ی (7) «لِلْمُخَاطَبِ» می‌باشد.

■ الزَّارِعَتَانِ تَحْصِدَانِ أَرْضَهُمَا ➡ دو کشاورز زمین خود را درو می‌کنند.

با توجه به «الزارعتان» و ضمیر «هما» متوجه می‌شویم که «تَحْصِدَانِ» صیغه‌ی (5) «لِلْغَائِبَتَيْنِ» است.

■ أَنْتُمَا مُعَلِّمَانِ تُجْبَانِ الْخِدْمَةَ لِلنَّاسِ ➡ شما دو معلمی هستید که خدمت به مردم را دوست دارید.

«أنتم» و «تُجْبَانِ» می‌توانند صیغه‌ی (8) یا (11) باشند ولی چون «معلمان» مذكر است متوجه می‌شویم که «تُجْبَانِ» در صیغه‌ی (8) «لِلْمُخَاطَبَيْنِ» است.

■ آنتما کاتبان تکتبان حقیقه الامر ➔ شما دو نویسنده‌ای هستید که حقیقت موضوع را می‌نویسید.

«آنتمه» و «تکتبان» می‌توانند صیغه‌ی (8) یا (11) باشند ولی با توجه به «کاتبان» که مؤنث است در می‌یابیم که «تکتبان» به صیغه‌ی (11) «للمخاطبتین» است.

پاسخ‌نامه‌ی تشریحی



1. گزینه‌ی 4 «النساء المؤمنات» بیانگر صیغه‌ی (6) «لللغائبات» است، بنابراین فعل «یستبین» برای جای خالی مناسب است.
2. گزینه‌ی 2 با توجه به «أيتها الأم» که در پایان جمله آمده، متوجه می‌شویم که فعل باید در صیغه‌ی «للمخاطبة» باشد.
3. گزینه‌ی 2 فرمول ماضی بعید این بود: «کان + (قد) + فعل ماضی» («کنتما قد رجعتما»: بازگشته بودید).
4. گزینه‌ی 1 «در هفته‌ی آینده درس‌هایمان را شروع خواهیم کرد» جمله بر زمان آینده دلالت می‌کند و ساختار فعل آینده منفی «لن + فعل مضارع» است. در گزینه‌های دیگر، معنای فعل به شکل ماضی منفی می‌شود.
5. گزینه‌ی 2 «أنتن» صیغه‌ی (12) است، پس فعل آن هم باید با آن مطابقت کند (تبادرن).
6. گزینه‌ی 4 «یهزم» بعد از «الأعداء» آمده، پس باید از نظر صیغه مطابق آن باشد (آن یهزمو).

ویتامینه

- فعل + فاعل اسم ظاهر (چه مفرد، چه مثنی، چه جمع) ➔ فعل همیشه مفرد است.
جاء الطالبان / یَنقَلِبُ المؤمنون
- مبتدا + فعل ➔ فعل باید در صیغه، مطابق مبتدا باشد.
الطالبان ذهابا / المؤمنون یَنقَلِبون
- 7. گزینه‌ی 2 «تناولتن» ماضی است، ولی در گزینه‌ی (4) فعل مضارع آمده، هم چنین این فعل جمع است نه مفرد، پس گزینه‌ی (1) که صیغه‌ی متکلم وحده است، رد می‌شود. «أطعمته» جمع غیرعاقل است، پس ضمیر آن به صورت مفرد مؤنث می‌آید. (رد گزینه‌ی 3)

نسوزی...

وقتی از ما که مخاطب جمله هستیم، سؤال می‌شود، هنگام پاسخ دادن باید جمله را به صیغه‌ی متکلم بیاوریم زیرا ما دیگر، گوینده‌ی پاسخ هستیم نه مخاطب.
ما قرأت؟ قرأت القرآن. / متى تذهبون؟ نذهب اليوم.

8. گزینه‌ی 4 فعل گزینه‌ی (1) به صورت «یحاول» درست است. فعل گزینه‌ی (2) با توجه به «تلمیذتان» باید «تحاولان» باشد و گزینه‌ی (3) بیانگر صیغه‌ی للمخاطبات است، پس فعل آن به صورت «تحاولن» درست می‌باشد.
9. گزینه‌ی 3 ناخنک

- 1 «أسرا» جمع غیرعاقل است، پس فعل‌های بعد از آن باید به صورت مفرد مؤنث باشد. (کانت - تکنون)
- 2 «هذه» و «التلمیذ» مذكر هستند، پس فعل آن‌ها هم باید مذكر باشد. (لا یتکاسل)
- 4 «التکبر» مذكر است ولی فعل آن مؤنث آمده. «تبعید» درست است.

10. گزینه‌ی 2 ساختار ماضی استمراری به صورت «کان + فعل مضارع» می‌آید.
11. گزینه‌ی 1 «ذهب» صیغه‌ی «لللغائب»، «ما وجد» صیغه‌ی «لللغائبین» و «یطلبون» صیغه‌ی «لللغائبین» است.
12. گزینه‌ی 2 «أنتم» و «کم» صیغه‌ی «للمخاطبتین» هستند ولی «لا یمدحو» و «لا یقللوا» صیغه‌ی «لللغائبین»؛ پس یا ضمیرها و یا فعل‌های عبارت باید مثل هم بشن!
13. گزینه‌ی 3 «هی» و «آنتی» به یک اسم مؤنث نیاز دارند ولی «السخاء» مذكر است زیرا «اء» در آن زاید نیست، هم چنین «تتحلی» باید به صیغه‌ی مذكر باشد و «نرشد» باید به صورت «یرشد» باشد.
14. گزینه‌ی 2 فقط در این گزینه هر دو فعل به صورت مثنی آمده. ضمناً فعل گزینه‌ی (1) «یطالعین» هم وجود خارجی نداره یعنی چنین فعلی رو ما که هیچ، برادران صدر اسلام هم ندیده‌اند.
15. گزینه‌ی 3 «لا یتکلم» به «یسمعون» عطف شده؛ پس باید مانند آن، جمع مذكر غایب باشد (لا یتکلمون).
16. گزینه‌ی 3 «تصدقی» ثلاثی مجرد است ولی «صدقی» و «أصدقی» ثلاثی مزید. هم چنین گزینه‌ی (2) از «یکرم» که به صیغه‌ی غایب است فعل امر مخاطب ساخته که نادرست می‌باشد.
17. گزینه‌ی 1 «حملت» (حمل کردم)، «لم یُشف» (بهبود نیافت، شفا نگرفت)، «ألقيت» (انداختم) و «ترکت» (ترک کردم) چهار فعل این عبارت هستند.
18. گزینه‌ی 2 «الأروبتون» فاعل است پس فعل در اول جمله باید به صورت مفرد بیاید.
19. گزینه‌ی 1 «یَنجَحُ التلامیذ» و یا «التلامیذ ینجحون» درست است.
20. گزینه‌ی 3 با توجه به «الکفار» و «هم» که هر دو جمع مذكر هستند فعل بعد از آن باید به صیغه‌ی «لللغائبین» باشد.
21. گزینه‌ی 2 «کان + مضارع» ساختار ماضی استمراری می‌سازد؛ سایر گزینه‌ها همگی ماضی هستند.
22. گزینه‌ی 4 فعل نهی از مضارع ساخته می‌شود نه ماضی (رد گزینه‌های 1 و 2)؛ ضمناً فعل نهی، مجزوم است پس نون در «لا تفقدون» باید حذف شود.
23. گزینه‌ی 2 نون از «لا تقنطی» حذف شده پس این فعل نهی است نه نفی.
24. گزینه‌ی 3 «أعْبَئْ» فعل مضارع و در صیغه‌ی متکلم وحده است. گزینه‌های (1 و 2) امر و گزینه‌ی (4) ماضی هستند.
25. گزینه‌ی 1 «أنتم جاهذتم» در حالت ماضی و «أنتم جاهدوا» در حالت امر، صحیح می‌باشند.

3 فعل اجوف اگر به باب «إفعال» برود بر اوزان زیر صرف می‌شود:

ماضی	مضارع	امر	مصدر	ماضی مجهول	مضارع مجهول	اسم فاعل	اسم مفعول
أَفَالَ ↓ أَقَامَ	يُفَالُ ↓ يُقِيمُ	أَفِلْ ↓ أَقِمْ	إِفَالَةٌ ↓ إِقَامَةٌ	أَفِيلَ ↓ أَقِيمَ	يُفَالُ ↓ يُقَامُ	مُفِيلٌ ↓ مُقِيمٌ	مُفَالٌ ↓ مُقَامٌ

4 فعل اجوف اگر به باب «إستفعال» برود بر اوزان زیر صرف می‌شود:

ماضی	مضارع	امر	مصدر	ماضی مجهول	مضارع مجهول	اسم فاعل	اسم مفعول
إِسْتَفَالَ ↓ إِسْتَطَاعَ	يَسْتَفِيلُ ↓ يَسْتَطِيعُ	إِسْتَفِلْ ↓ إِسْتَطِيعْ	إِسْتِفَالَةٌ ↓ إِسْطَاعَةٌ	أُسْتَفِيلَ ↓ أُسْتَطِيعَ	يُسْتَفَالُ ↓ يُسْتَطَاعُ	مُسْتَفِيلٌ ↓ مُسْتَطِيعٌ	مُسْتَفَالٌ ↓ مُسْتَطَاعٌ

بنابراین حرف عله در اولین صیغه:

1 ماضی ← قلب به الف 2 مضارع ← قلب به یاء 3 امر ← حذف می‌شود.

5 اگر ادات جزم قبل از صیغه‌های بدون ضمیر بارز فعل مضارع اجوف بیایند، حرف عله به دلیل برخورد دو ساکن (التقاء ساکنین) حذف می‌شود.

مثال: لَمْ يَقُولْ / لَمْ تَبْعْ / لَمْ تَبْعْ / إِنْ تَنَالَ تَسِيرْ / إِنْ تَنَلْ تَسِرْ

● فعل معتل ناقص

برای یادگیری بهتر این قسمت از معتلات، همانند افعال اجوف آن‌ها را الگوبندی می‌کنیم:

الف) افعالی که مانند «هَدَى - يَهْدِي» صرف می‌شوند (فَعَلَ، يَفْعُلُ) ← ناقص یایی

ب) افعالی که مانند «دَعَا - يَدْعُو» صرف می‌شوند (فَعَلَ، يَفْعُلُ) ← ناقص واوی

ج) افعالی که مانند «حَشَى - يَحْشَى» صرف می‌شوند (فَعَلَ، يَفْعُلُ) ← ناقص یایی

بعد از این آشنایی برویم تا نشانتان دهیم دنیا دست کیست!

● ماضی

1 ← اعلال به قلب
+ الگوهای «دعا، هدی»: در صیغه‌ی 3، 4 و 5 ← اعلال به حذف
سایر صیغه‌ها ← بدون اعلال

+ الگوی «حَشَى»: تنها در صیغه‌ی (3) اعلال حذف دارد و در سایر صیغه‌ها بدون اعلال است.

■ الگوی «هَدَى»:

■ الگوی «دَعَا»:

هَدَيْتُمَا	هَدَى ← قلب هَدَى
هَدَيْتُمْ	هَدَا
هَدَيْتِ	هَدَيَا ← حذف هَدَا عله + ساکن
هَدَيْتُمَا	هَدَيْتِ ← قلب هَدَاثِ ← حذف هَدَتْ عله‌ی ساکن + ساکن
هَدَيْتُنَّ	هَدَيْتَا ← قلب هَدَاتَا ← حذف هَدَتَا عله‌ی ساکن + ساکن
هَدَيْتُ	هَدَيْتِ
هَدَيْنَا	هَدَيْتِ

دَعَوْتُمَا	دَعَا ← قلب دَعَا
دَعَوْتُمْ	دَعَا
دَعَوْتِ	دَعَوَا ← حذف دَعَا عله‌ی ساکن
دَعَوْتُمَا	دَعَوْتِ ← قلب دَعَاتِ ← حذف دَعَتْ عله‌ی ساکن + ساکن
دَعَوْتُنَّ	دَعَوَاتَا ← قلب دَعَاتَا ← حذف دَعَتَا عله‌ی ساکن + ساکن
دَعَوْتُ	دَعَوْتِ
دَعَوْنَا	دَعَوْتِ

■ الگوی «خَشِيَ»:

خَشِيتُمَا	خَشِيَ
خَشِيتُمْ	خَشِيَ
خَشِيتَ	خَشِیُوا حذف خَشُوا عَلَهُ + عَلَهِ
خَشِيتُمَا	خَشِيتَ
خَشِيتُمْ	خَشِيتَا
خَشِيتَ	خَشِینَ
خَشِيتَا	خَشِیتَ

● مضارع

1، 4، 7، 13 و 14 ← اعلال به اسکان
 ■ الگوهای «هَدَى، دَعَا» در صیغه‌ی: 3، 9 و 10 ← اعلال به حذف
 سایر صیغه‌ها ← بدون اعلال

1، 4، 7، 13 و 14 ← اعلال به قلب
 ■ الگوهای «خَشِيَ» در صیغه‌ی: 3، 9 و 10 ← اعلال به حذف
 سایر صیغه‌ها ← بدون اعلال

■ الگوی «هَدَى»:

■ الگوی «دَعَا»:

يَدْعُو قاعده‌ی ۲ اسکان ← يَدْعُو	تَدْعُوَانِ
يَدْعُوَانِ	تَدْعُوْنَ حذف تَدْعُوْنَ عَلَهُ + عَلَهِ
يَدْعُوْنَ حذف يَدْعُوْنَ عَلَهُ + عَلَهِ	تَدْعُوْنَ حذف تَدْعُوْنَ عَلَهُ + عَلَهِ
تَدْعُو قاعده‌ی ۲ اسکان ← تَدْعُو	تَدْعُوَانِ
تَدْعُوَانِ	تَدْعُوْنَ
يَدْعُوْنَ قاعده‌ی ۲ اسکان ← اُدْعُو	تَدْعُوْنَ
تَدْعُو قاعده‌ی ۲ اسکان ← تَدْعُو	تَدْعُوْنَ قاعده‌ی ۲ اسکان ← اُدْعُو

يَهْدِي قاعده‌ی ۲ اسکان ← يَهْدِي	تَهْدِيَانِ
يَهْدِيَانِ	تَهْدِيُونَ حذف تَهْدِيُونَ عَلَهُ + عَلَهِ
يَهْدِيُونَ حذف يَهْدِيُونَ عَلَهُ + عَلَهِ	تَهْدِيْنَ حذف تَهْدِيْنَ عَلَهُ + عَلَهِ
تَهْدِي قاعده‌ی ۲ اسکان ← تَهْدِي	تَهْدِيَانِ
تَهْدِيَانِ	تَهْدِيْنَ
يَهْدِيْنَ قاعده‌ی ۲ اسکان ← اُهْدِي	تَهْدِيْنَ
تَهْدِي قاعده‌ی ۲ اسکان ← تَهْدِي	تَهْدِي قاعده‌ی ۲ اسکان ← اُهْدِي

➤ الگوی «خَشِيَ» (برادران و خواهران گرامی عنایت بفرمایید که در این عرصه از درس از قاعده‌ی حرف‌های متحرک ماقبل مفتوح، قلب به «الف» می‌شود، بسیار بهره‌برده‌ایم!)

يَخْشِيَانِ	يَخْشِي قَلْب ← يَخْشِي
يَخْشِيَانِ	يَخْشِيَانِ
يَخْشِيُونَ حذف يَخْشِيُونَ عَلَهُ + عَلَهِ	يَخْشِيُونَ حذف يَخْشِيُونَ عَلَهُ + عَلَهِ
يَخْشِيْنَ حذف يَخْشِيْنَ عَلَهُ + عَلَهِ	يَخْشِيْنَ حذف يَخْشِيْنَ عَلَهُ + عَلَهِ
يَخْشِيَانِ	يَخْشِي قَلْب ← يَخْشِي
يَخْشِيَانِ	يَخْشِيَانِ
يَخْشِيْنَ قَلْب ← اُخْشِي	يَخْشِيْنَ
يَخْشِي قَلْب ← نَخْشِي	يَخْشِي قَلْب ← نَخْشِي

جمله‌ی آخر باید با هم عوض شود: «کرمونا...» و «قبلوا...»

3495. گزینه‌ی 1 دلایل رد سایر گزینه‌ها:

2. «سیدل» آینده است ولی «تبدیل می‌کند» مضارع. 3. «تحسب» و «تعلیمین» با هم مطابقت ندارند. 4. «لیس بحاجة» به زمان آینده منفی نیست.

ترجمه‌ی متن:

سید شریف رضی (کسی که نسبت جدش به امام علی (ع) بر می‌گردد و در قرن چهارم زیست) برای جمع‌آوری تعدادی از سخنان امام علی (ع) و نامه‌ها و خطبه‌هایش در کتابی که آن را «نهج البلاغه» نامید همت گماشت. این نامگذاری به بلاغتی که در کلام امام جاری می‌شود دلالت می‌کند و کلمه‌ی نهج یعنی راه روشن و از عنوان کتاب ظاهر می‌شود که نویسنده‌ی آن به انتخاب فصیح‌ترین و شیواترین سخن گوینده‌اش در موضوعات مختلفی مانند توحید و حکمت و تربیت و پندها و مسایل سیاسی و اجتماع و اقتصاد و جنگ اقدام کرده است. و شریف رضی گاهی از کلماتی که آن‌ها را در میزان فصاحت و بلاغت کمتر می‌دید چشم پوشی کرده است و با این چشم پوشی میزان بسیاری از سخن امیر مومنین (ع) در اعماق تاریخ تباه شد. در این کتاب موضع‌گیری‌های امام (ع) آشکار شد خواه این آشکار شدن در موضع‌گیری‌های ایشان نسبت به دوستان یا (نسبت به) دشمنانش باشد و در این کتاب منابع بزرگی از شناختی که زندگی مردم را در هر زمان روشن می‌کند وجود دارد و در بعضی موضوعات با قرآن برابری می‌کند. پس ما در پندهای امام اساس‌های پیشرفت در تربیت و اخلاق را می‌یابیم و در نامه‌ها و خطبه‌هایش قواعدی برای تنظیم (امور) اقتصادی و اداری و نظامی می‌یابیم. نکته‌ی دیگری که ما را به شگفتی و می‌دارد آن است که ما در نهج البلاغه خطبه‌ای را می‌بینیم که از حرف «الف» استفاده نکرده و همچنین خطبه‌ی دیگری که در آن کلمه‌ای که نقطه دارد نیست.

3496. گزینه‌ی 4 «شریف رضی» در قرن چهارم زندگی می‌کرده است، پس نمی‌توانسته به هنگام سخنرانی امام (ع) کلام او را بنویسد.

3497. گزینه‌ی 2 «غیر قلیل»: غیر کم؛ اصطلاح است و به معنی «کثیر»: (زیاد) می‌باشد.

3498. گزینه‌ی 3 با توجه به متن عجیب‌ترین موضوع این است که امام (ع) در یکی از خطبه‌های خود از کلمات «بدون نقطه» و در خطبه‌ی دیگرش از کلمات بدون «الف» استفاده کرده است.

3499. گزینه‌ی 2 ترجمه‌ی گزینه‌ها:

1. نهج البلاغه کتابی است که مانند آن اثری در گذشته تا الآن نیست! (خیر، چون قرآن برتر از نهج البلاغه است) 2. بین سخن امام (ع) و خطبه‌هایش چیزی یافت می‌شود که خیلی فصیح و بلیغ نبوده است! 3. امام (ع) مجموعه‌ای از آثارش را «نهج البلاغه» نامیده است! 4. در نهج البلاغه جملاتی یافت می‌شود که برای ما از اتفاقات آینده با دقت حکایت می‌کنند!

3500. گزینه‌ی 1 حرکت‌گذاری عبارت:

تَصَدَّى	السَّيِّدُ	الشَّرِيفُ	الرَّضِيُّ
فعل ماضی من باب تَفَعَّلَ	فاعل و مرفوع	صفة و مرفوع به تبعیت	صفة و مرفوع
الجمع	عدد	من کلمات	الإمام
جار و مجرور	م. الیه و مجرور	جار و مجرور	م. الیه و مجرور
علیّ (ع)	رسائله	و خطبه	فی کتاب
بدل و مجرور به تبعیت	معلول و مجرور به تبعیت (م. الیه و محلاً مجرور)	معلول و مجرور به تبعیت (م. الیه و محلاً مجرور)	جار و مجرور

3501. گزینه‌ی 2 حرکت‌گذاری عبارت:

و فی هذا	الکتاب	منابع	عظيمة
جار و مجرور (خبر مقدم)	تابع و مجرور به تبعیت	مبتدا مؤخر و مرفوع	صفة و مرفوع به تبعیت
من المعرفة	التي	تَنْبِئُ	حياة
جار و مجرور	صفة و مجرور محلاً	فعل مضارع و فاعله ضمير «هي» مستتر	مفعول به و منصوب
فی کلّ	زمان	فی بعضی	الموضوعات
جار و مجرور	م. الیه و مجرور	جار و مجرور	م. الیه و مجرور
م. الیه و مجرور	م. الیه و مجرور	فعل مضارع و فاعله ضمير «هو» مستتر	مفعول به و منصوب

3502. گزینه‌ی 1 «تجلت» فعل ماضی، للغائبه، مزید ثلاثی، من باب «تفعل» (زیاده حرفین)، مبنی علی الفتح، مبنی للمعلوم، لازم، معتل و ناقص، اعلاله بالحذف/ فعل و فاعله اسم ظاهر «مواقف»

3503. گزینه‌ی 3 «تُعْجِبُ»: فعل مضارع، للغائبه، مزید ثلاثی، من باب «إفعال» (زیاده حرف واحد)، معرب، مبنی للمعلوم، صحیح و سالم/ فعل مرفوع و فاعله ضمیر «هي» المستتر و الجملة فعلیة و صلة، لا محل لها من الإعراب

3504. گزینه‌ی 1 «منابع»: اسم، جمع التکسیر (مفرد «منبع»)، مذکر، مشتق (اسم مکان)، معرب، الممنوع من الصرف، صحیح الآخر، نكرة/ مبتدا مؤخر و مرفوع

3505. گزینه‌ی 4 «الأشجار» خبر مقدم از نوع شبه جمله (جار و مجرور) برای «لیست» می‌باشد.

ناخنک

1. «تجتهدون» خبر از نوع جمله‌ی فعلیه است.

2. «ناجحات» خبر مفرد است.

3. «کثیر» خبر مفرد می‌باشد.

3506. گزینه‌ی 4 «محاولة» مفعول مطلق نوعی و «کثیر» صفت آن است.

ناخنک

1. «منه» مفعول به و «کثیر» صفت است.

2. «کثیر» اسم مؤخر «إن» و منصوب است.

3. «کثیر» مفعول به و منصوب است.

3507. گزینه‌ی 4 «علیم» منادای نکره‌ی مقصوده، مبنی بر ضمّ و محلاً منصوب است ولی در سایر گزینه‌ها منادا چون به ضمیر «ی» چسبیده دارای اعراب تقدیری است.

3508. گزینه‌ی 1 به ترجمه‌ی گزینه‌ها توجه کنید:

1. کسی که در روز جشن دانش‌آموز نمونه به ما سلام کرد، مدیر ادیب مدرسه‌ی ما است آیا نمی‌دانی؟ «من» از نوع موصول و معرفه است.

2. هر کس در زندگی ارزشمند خود به سمت مبارزه با ظلم بیاید خداوند او را بیشتر از هر بنده‌ای دوست می‌دارد. «من» از نوع شرط و نکره است.

3. من این مسئله را نمی‌فهمم، چه کسی می‌تواند که بدون هیچ ثروتی زندگی کند؟ آن غیر مانوس است. «من» از نوع استفهام و نکره است.

4. ای برادر از چه کسی مال فراوان را خواستی؟ آیا به انسانی که به او نیاز دارد کمک می‌کنی یا خیر؟ «من» از نوع استفهام و نکره است.

3509. گزینه‌ی 4 «الأخضر» صفت برای «بساتین» (جمع غیر عاقل) است، پس باید به صورت مفرد مؤنث (الخضراء) بیاید.

3510. گزینه‌ی 2 «لام» در این گزینه از نوع ناصبه است.

معنای گزینه‌ی 2: «برای اینکه تحقیقاتم را درباره‌ی این موضوع کامل کنم به آمریکا سفر کردم و آن چیزی که از آن‌ها به دست آمد را دیدم»

انتشارات مهرماه

۰۲۱-۶۶۴۰۸۴۰۰

www.mehromah.ir

۳۰۰۰۷۲۱۲۰



9 786003 170292

مهمترین مواردی که در این کتاب می‌بینید عبارتند از:

- ✓ بیش از ۳۵۰۰ تست کنکورهای سراسری، خارج از کشور، آزمایشی، سنجش، آزمون‌های آزمایشی و تالیفی
- ✓ دسته‌بندی و چیدمان منحصر به فرد و منظم سوالات
- ✓ مشخص کردن تست‌های مخصوص دوران جمع‌بندی
- ✓ پاسخ کاملاً تشریحی به همراه ترجمه و تحلیل گزینه‌های دشوار
- ✓ ارائه‌ی درسنامه‌ی جامع برای هر مبحث
- ✓ تفکیک و تقویت موضوعات مورد توجه کنکور در سه سال اخیر مانند تست‌های ترکیبی انواع «من» و «ما»، شناخت و شمارش اسم غیرمنصرف و...
- ✓ ارائه‌ی تست‌های تالیفی دشوار برای داوطلبان ممتاز